



بخش انرژی و سیاست‌های آقای ترامپ

آقای دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا در شعارهای انتخاباتی خود سیاست‌هایی را برای بخش انرژی مطرح کرده‌اند که در صورت تحقق آنها تحولاتی در بازار انرژی جهان رخ خواهد داد و اثرات آن، بیش از هر چیز کشورهای صادرکننده نفت را نشانه خواهد گرفت. نااطمینانی‌هایی که به دلیل سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت ترامپ در حوزه انرژی به وجود آمده، می‌تواند بازارهای مالی و به تبع آن قیمت نفت را تحت تاثیر قرار دهد. چنانچه آمریکا سیاست استقلال‌طلبی در حوزه انرژی را مبنای فعالیت‌های آینده خود قرار دهد، اوپک از دو ناحیه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. از یک سو، افزایش تولید نفتی آمریکا منجر به کاهش قیمت نفت خواهد شد و از طرف دیگر، با محدودیت‌هایی که برای صادرات نفت اوپک به آمریکا به وجود خواهد آمد، اوپک بخشی از سهم بازار خود را از دست خواهد داد و رقابت شدیدی برای به دست آوردن سهم بازار در سایر بازارها به وجود می‌آید. با این حال، نمی‌توان پیش از ارائه راهبردهای آمریکا در این زمینه، به طور قطع درباره آنچه پس از انتخاب آقای ترامپ در بخش انرژی اتفاق خواهد افتاد، اظهار نظر کرد.

ترامپ و جهان در حال گذار

به عقیده اغلب کارشناسان، جهان پس از ریاست جمهوری آقای ترامپ به طور کلی با چالش‌های وسیعی مواجه خواهد شد. ریچارد ناتان هاس^۱، دیپلمات آمریکایی که از جولای ۲۰۰۳، رئیس شورای روابط خارجی و پیش از آن مدیر برنامه‌ریزی سیاسی وزارت خارجه آمریکا و مشاور نزدیک وزیر امور خارجه (کالین پاول^۲) بوده است، در مقاله‌ای به توصیف چالش‌های جهانی که جهان پس از انتخاب آقای ترامپ با آن مواجه خواهد بود، پرداخته است^۳. وی معتقد است؛ نمی‌توان بر اساس اقدامات پیشین ترامپ در مبارزات انتخاباتی، رویکرد او را در آینده تصور کرد، ضمن اینکه مشاوران اصلی وی و نحوه عملکرد آنها مشخص نشده است، اما در میان این عدم قطعیت‌ها، برخی وقایع کاملاً روشن است و آن اینکه؛ ترامپ در ابتدای شروع ریاست جمهوری، با مجموعه‌ای از چالش‌های دشوار بین‌المللی مواجه خواهد شد.

در صدر فهرست کشورهای متاثر از ریاست جمهوری ترامپ، منطقه خاورمیانه قرار دارد؛ منطقه‌ای که در مرحله پیشرفته‌ای از فروپاشی قرار گرفته است. سوریه، عراق، یمن و لیبی در حال دست و پنجه نرم کردن با ترکیبی از جنگ‌های داخلی و نیابتی^۴ هستند. توافق هسته‌ای ایران در بهترین حالت، صرفاً یک جنبه از قدرت ایران را و تنها برای مدت زمانی محدود مدیریت می‌کند. داعش (ISIS) نیز ممکن است ابعاد منطقه‌ای خود را از دست دهد، اما همانند گروه‌های دیگر، برای سال‌ها تهدید تروریستی به حساب خواهد آمد. وضعیت اسفبار میلیون‌ها پناهنده نه تنها یک فاجعه انسانی بلکه به منزله یک بار اقتصادی و استراتژیک برای کشورهای منطقه و اروپا خواهد بود.

^۱ Richard Nathan Haas

^۲ Colin Powell

^۳ این مقاله در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۶ در سایت مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده است.

^۴ جنگ نیابتی، جنگ واسطه‌ای یا جنگ وکالتی وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به جای اینکه مستقیماً وارد جنگ با یکدیگر شوند با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدین آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار بر آن می‌نمایند.



معاونت بررسی های اقتصادی

اروپا نیز در حال حاضر با چالش‌های قابل توجهی، از جمله تجاوز روسیه به اوکراین، بریگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا)، ظهور پوپولیسم و ناسیونالیسم و نرخ رشد اقتصادی پایین مواجه است. گرایش‌های ضدلیبرالیستی در حال افزایش در ترکیه و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی اش در خارج از کشور، مساله خاصی را در ترکیه ایجاد می‌کند. این واقعیت که کردهای سوریه اثبات کرده‌اند بهترین شریک آمریکا در مقابله با داعش هستند، به پیچیدگی‌های سیاست خارجی در حال انتظار، افزوده شده است.

ثبات کشورهای شرق آسیا با بلندپروازی‌های استراتژیک چین، پیشرفت موشک‌های بالستیک و هسته‌ای کره شمالی و ادعاهای ارضی و دریایی به خطر انداخته می‌شود. در جنوب آسیا، تنش تازه‌ای بین هند و پاکستان، دو رقیب مسلح به سلاح اتمی با سابقه درگیری در گذشته، شکل گرفته است. تنها کشور با آینده نامطمئن، افغانستان است؛ کشوری که با بیش از یک دهه از دخالت‌ها و کمک‌های بین‌المللی هنوز در تشکیل یک دولت لایق و سرکوب کردن طالبان و سایر گروه‌های مخالف مسلح موفق نبوده است.

در نقطه‌ای دیگر، ونزوئلا، کشوری غنی از منابع نفتی، بسیاری از ویژگی‌های یک دولت شکست خورده را با خود به همراه دارد. در آفریقا نیز، ترکیبی از عوامل از جمله حاکمیت ضعیف، رشد اقتصادی پایین، تروریسم و جنگ‌های داخلی (یا هر دو) بسیاری از کشورها را متضرر کرده است. در سطح جهانی نیز تعداد کمی از قوانین و مجازات‌ها برای رفتارهای بی‌پروا و غیرمسئولانه در حوزه‌های مهم (فضای مجازی در میان آن‌ها اهمیت بیشتری دارد) اعمال می‌شود.

مرگ آشکار توافق تجارت آزاد فراپاسیفیک^۵ (TPP) خشمگینی‌های بسیاری را در آسیا و آمریکای جنوبی در ارتباط با پیش‌بینی‌ها از آمریکا و درباره اینکه آیا همچنان آمریکا قهرمان تجارت جهان باقی می‌ماند یا به حمایت از تولید داخلی خواهد پرداخت، بوجود آورده است. مکزیکی که در طول مبارزات انتخاباتی مورد انتقادات شدید ترامپ قرار گرفته، اکنون با مجموعه منحصر به فردی از مشکلات مربوط به تجارت و مهاجرت مواجه است.

سیاست‌های آقای ترامپ در بخش انرژی

در شعارهای انتخاباتی که آقای دونالد ترامپ پیش از انتخابات مطرح کرد، نمونه‌هایی از برنامه‌های وی برای بخش انرژی نیز به چشم می‌خورد که در نخستین برنامه‌های ارائه شده از سوی ایشان و توسط طرفدارانشان در طول انتخابات منتشر شده است.

مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- مستقل ساختن بخش انرژی آمریکا، ایجاد میلیون‌ها شغل جدید، حمایت از آب پاک و هوای پاک، حمایت از ذخایر و منابع طبیعی، انقلاب انرژی که سرمایه عظیمی را برای آمریکا به همراه خواهد داشت.
- اعلان سلطه انرژی آمریکا به عنوان هدف استراتژیک سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا.
- آزاد کردن ۵۰ تریلیون دلار آمریکا از منابع بکر شیل، نفت و ذخایر گاز طبیعی، بعلاوه ذخایر ذغال سنگ.
- استقلال کامل آمریکا از هر گونه نیاز به واردات انرژی از کارتل اوپک یا هر کشور ضد منافع آمریکا.

^۵ Trans-Pacific Partnership



- باز کردن لیزینگ زمین های خشکی و دریایی^۶ فدرال، توقف لیزینگ ذغال سنگ و باز کردن ذخایر انرژی شیل.
- تشویق به استفاده از گاز طبیعی و سایر منابع انرژی آمریکا که هم انتشار گازهای گلخانه ای را کاهش دهد و در عین حال قیمت انرژی را کاهش و بازده اقتصادی آمریکا را افزایش دهد.
- کاهش و حذف کلیه موانع تولید انرژی، ایجاد حداقل نیم میلیون شغل در سال، افزایش دستمزدها و انرژی ارزان تر (ترامپ و طرفدارانش معتقدند تولید نفت شیل می تواند طی ۷ سال، ۲ میلیون شغل ایجاد کند).

ویلیام ترامپ در نخستین برنامه اش برای بخش انرژی، اشاره می کند بر اساس مطالعات موسسه تحقیقات انرژی، حذف محدودیت های انرژی آمریکا، سیل عظیمی از مشاغل جدید به وجود خواهد آورد:

- تقریباً ۷۰۰ میلیارد دلار افزایش در تولید طی ۳۰ سال آینده
- بیش از ۳۰ میلیارد دلار افزایش در دستمزدهای سالانه طی ۷ سال آینده
- بیش از ۶ میلیارد دلار افزایش در درآمدهای مالیاتی جدید طی چهار دهه آینده

به طور کلی، آقای ترامپ در شعارهای تبلیغاتی خود توسعه بخش انرژی آمریکا را اهرمی برای ایجاد اشتغال، افزایش دستمزدها و رشد اقتصادی آمریکا دانسته است. در ادامه، به نظرات برخی از کارشناسان پیرامون تاثیرات انتخاب ترامپ بر بخش انرژی به ویژه نفت اشاره می شود.

گزیده ای از نظرات کارشناسان پیرامون آینده بخش انرژی با در نظر گرفتن سیاست های آقای ترامپ

به عقیده برخی کارشناسان، پیروزی آقای دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، برنامه ریزی تولیدکنندگان نفتی را برای محدود کردن تولید نفت با چالش بزرگی مواجه کرده است.

آقای ترامپ پیشتر گفته که قصد دارند بخش انرژی آمریکا را به طور کامل مستقل سازد و محدودیت های حفاری نفت در زمین فدرال را از میان بردارد که این امر منجر به پیشی گرفتن عرضه از تقاضا و به تبع قیمت های نفتی پایین تر می شود؛ دلایلی که براساس آن اوپک مجبور به محدود کردن تولیدات نفتی اعضا در اواخر سپتامبر شد. ضمناً، برنامه های بخش انرژی آقای ترامپ می تواند منجر به رشد سهم بازار نفتی آمریکا شود که برای اوپک نگران کننده است.

تحلیلگران Esai Energy LLC در این رابطه می گویند انتخاب آقای ترامپ به عنوان رئیس جمهور، به طور ماهرانه ای توازن قدرت را در بازار نفت جابه جا خواهد کرد. به گفته آنها، آقای ترامپ به تشویق توسعه نفتی در آمریکا خواهد پرداخت. اجازه ساخت خطوط انتقال را می دهد و مالیات بر سود شرکت ها^۷ را کاهش خواهد داد و به طور کلی بخش نفتی آمریکا را رقابت پذیرتر خواهد کرد.

به عقیده تیم کورتنی^۸، مدیر ارشد بخش سرمایه گذاری موسسه مشاوران Exencial Wealth، فعالیت های بازار نفت نشان می دهد در بخش انرژی ریسک های زیادی وجود دارد. به گفته وی، پیش بینی های بازار حاکی از آن است که قوانین و

^۶ onshore and offshore leasing

^۷ corporate profit taxes

^۸ Tim Courtney



هزینه‌های بخش انرژی کاهش خواهد یافت و امکان تولید نفت خام با هزینه‌های کمتر برای شرکت‌های آمریکایی فراهم می‌شود. بر اساس اظهارات کورتنی؛ اگر هدف واقعی اوپک حمایت از قیمت‌های نفت است، اکنون باید تولید نفت را بیشتر کاهش دهد، در غیر اینصورت احتمالاً قیمت‌ها افت خواهد کرد.

مجله Fortune نیز با انتشار مقاله ای در تاریخ ۹ نوامبر، تاکید کرده؛ با شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ، کار اوپک برای سرپا نگه داشتن قیمت نفت قطعاً سخت‌تر خواهد شد و با توجه به تعهد آقای ترامپ به باز کردن زمین‌ها و آب‌های فدرال برای اکتشاف سوخت‌های فسیلی، افزایش تولید نفت آمریکا یکی از تهدیدهای اصلی اوپک خواهد بود.

به گفته آناس آلهاجی^۹، کارشناس مستقل انرژی و اقتصاددان ارشد سابق موسسه مدیریت سرمایه انرژی NGP، هراسی وجود دارد که بُرد آقای ترامپ در مبارزات انتخاباتی، با خود بحران اقتصادی به همراه داشته باشد. اگر در روزهای آتی، سقوطی در بازارهای مالی و کالا مشاهده شود، فشار بر روی اوپک هم بیشتر خواهد شد تا در این راستا اقدامی انجام دهد. آنچه که مانع از اقدام اوپک در این زمینه می‌شود، خطر از دست دادن سهم بازار است.

به عقیده یکی از تحلیلگران موسسه Esai Energy، محدود کردن تولید نفت اوپک و افزایش قیمت نفت، تنها موجب تقویت بخش نفتی آمریکا و تشدید رقابت با صنعتی خواهد شد که اکنون توسط ریاست جمهوری و کنگره جمهوری خواه پشتیبانی کامل می‌شود. این موضوع بدین معناست که اگر امکان انعقاد تفاهم نامه خوب اوپک وجود نداشته باشد، احتمالاً عربستان سعودی از دور خارج خواهد شد.

بر اساس اداره اطلاعات انرژی^{۱۱}، حدود ۵۲ درصد تولید نفت خام آمریکا (یا ۴.۹ میلیون بشکه در روز) در سال ۲۰۱۵ از محل نفت شیل بوده است. بر اساس اطلاعات شرکت S&P Global Platts خروجی اعضای اوپک در اکتبر حدود ۳۳.۵۴ میلیون بشکه در روز ثبت شده است.

اوپک به دلیل نگرانی از اینکه محدود کردن تولیدات نفتی اعضا، موجب افزایش سهم تولید کنندگان نفتی غیر اوپک از جمله آمریکا، می‌شود تاکنون سطح تولید نفت خود را بالا نگه داشته است.

به عقیده کورتنی، تاکنون اوپک بخش زیادی از سهم بازار خود را از دست داده و آمریکا سهم بازار بیشتری را بدست آورده است. کورتنی می‌گوید: همواره نگاه اوپک به سمت سهم بازار بوده است، اما مسئله اصلی‌اش این بود که برای بالاتر نگه داشتن قیمت‌ها تلاش کنند و فکر نمی‌کنم هیچ یک از اینها به هزینه‌های آنها برای تولید نفت کمکی نماید. اما، برنامه‌های بخش انرژی ترامپ، هزینه‌های تولید نفت را در آمریکا کاهش خواهد داد که برای شرکت‌های نفتی داخلی سودمندتر خواهد بود.

^۹ Exencial Wealth Advisors

^{۱۰} Anas Alhajji

^{۱۱} Energy Information Administration



تاثیر انتخاب آقای ترامپ بر قراردادهای نفتی ایران

صرف نظر از تاثیر انتخاب آقای ترامپ بر سرمایه گذاری خارجی در حوزه نفتی ایران، برخی از تحلیل گران بازار انرژی قراردادهای نفتی ایران را برای سرمایه گذاران خارجی جذاب قلمداد نمی کنند و مدعی هستند که در این مدل از قرارداد، از مالکیت خارجی یا خصوصی بر منابع طبیعی ایران جلوگیری شده است.

اداره انرژی امریکا عنوان کرده است که دولت ایران صرفاً اجازه انعقاد قراردادهای بای بک در زمینه استخراج و توسعه را به کمپانی های نفتی بین المللی داده و علی رغم وعده های ایران برای اصلاح قراردادها برای تشویق سرمایه گذاران خارجی، هنوز اقدامی انجام نشده است.

با این حال برخی شواهد در مورد توسعه همکاری با برخی شرکتهای خارجی از جمله موافقت توتال فرانسه برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی، ایجاد کنسرسیومی میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتی چینی CNPC، انعقاد قراردادی با شرکت DNO نروژی برای مطالعه میدان نفتی چنگوله و همچنین امضاء یادداشت تفاهمی میان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب و شرکت Schlumberger (بزرگترین شرکت خدماتی در زمینه نفت) در رابطه با مطالعه در زمینه منابع غنی نفت خوزستان، نشان می دهد تولید نفت ایران، قراردادها و دیپلماسی در حوزه نفت تحت تاثیر تحولات سیاسی اخیر در امریکا و احتمالاً ماههای آینده نخواهد بود.

آقای Jason Bordoff مدیر بخش سیاست های انرژی در دانشگاه کلمبیای امریکا اخیراً عنوان کرده اند که شرکتهای بین المللی در خصوص سرمایه گذاری در ایران بیشتر تمایل دارند تا گزینه انتظار و مشاهده را تا زمان روشن شدن سیاست های آقای ترامپ و جهت گیری های آتی ایشان، انتخاب کنند. با این وجود از منظر سرمایه گذاران خارجی فرآیند قراردادهای جدید نفتی در ایران کند است و آنها انتظار دارند اطلاعات کامل تر به همراه جزئیات مربوط به این قراردادها منتشر شود.

آقای دکتر زنگنه وزیر نفت در اظهارات اخیر خود ضمن ابراز عدم بروز احساسی از تاثیر انتخاب آقای ترامپ به عنوان رییس جمهوری امریکا بر مذاکرات ایران با شرکت های نفتی بین المللی، تا حدودی مشابه تحلیل گران خارجی وضعیت همکاری با شرکت های بین المللی را منوط به روش شدن شرایط آینده عنوان کرده اند.

از سوی دیگر بنا به اظهارات آقای دکتر عسلی پژوهشگر حوزه نفتی، قراردادهای نفت و گاز ایران عموماً قراردادهای خدمات همراه با ریسک (مخاطرات) هستند زیرا عقد قراردادهای واگذاری امتیاز (Concession) و نیز تسهیم تولید (Production-sharing) در تفسیر کنونی از قوانین کشور مجاز نیست. هنگامی که این نوع قراردادها پذیرش قانونی ندارد طبعاً دولت نیز برای رعایت ضوابط قانونی ناگزیر، قراردادهای خدمات همراه با ریسک (برای شرکت طرف مقابل) را مورد توجه قرار داده است. واضح است شرکتهای بین المللی با فناوری پیشرفته، توان مدیریتی و مالی بالا هنگامی حاضر به تحمل ریسک و مشارکت در این طرحها می شوند که آنها را سود آور ببینند و در غیر اینصورت انگیزه ای برای همکاری در این طرحها نخواهند داشت. ایشان سرمایه بر بودن صنعت نفت و گاز، پیچیدگی های صنعت نفت و ریسکها و عدم قطعیت های زیاد در مراحل مختلف اکتشاف و توسعه و تولید را عاملی بر عدم سهولت محاسبه قطعی و دقیق هزینه های انجام شده از طرف شرکت های طرف قرارداد قلمداد کرده که قضاوت در قراردادهای نفت و گاز را مشکل می کند و در شرایط کنونی که چارچوب



کلی قراردادهای نفتی منتشر شده و هنوز هیچ قراردادی به امضاء نرسیده و عملیاتی نشده است، نمی‌توان این قراردادها را با جزئیات زیاد مورد نقد و بررسی قرارداد.

آقای دکتر زنگنه درباره زمان امضای نخستین قرارداد نهایی با شرکت های نفتی بین المللی اظهار کرده اند که تا سه یا چهار ماه آینده نخستین قرارداد بین المللی صنعت نفت به امضا خواهد رسید و نخستین قرارداد با شرکت هایی که با آنها موافقتنامه اصولی (HOA) امضا شده، منعقد خواهد شد. شایان ذکر است نخستین توافقنامه اصولی بین المللی در پساتحریم، برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در ۱۸ آبان ماه میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی متشکل از شرکت های توتال فرانسه، شرکت ملی نفت چین (سی.ان.پی.سی) و پترو پارس ایران، امضا شده و قرار است پس از چند ماه و فراهم شدن مقدمات، قرارداد نهایی در اوایل سال ۲۰۱۷ امضا شود.

با توجه به مشخص شدن اعضای هیات تطبیق قراردادهای نفتی بر اساس حکم اخیر آقای دکتر روحانی رئیس جمهور، می باید منتظر بود تا نتایج برآیند تحولات بیرونی و درونی در رابطه با به حداکثر رسانی منافع حاصل از قراردادهای نفتی مشخص و روشن شود. بدیهی است بعد از رفع تردیدها در خصوص سیاست های خارجی آقای ترامپ، هر گونه روشنگری و تسهیل نمودن فرآیند مربوط به قراردادهای، زمینه را برای ترغیب سرمایه گذاران بین المللی برای ورود به حوزه نفت ایران هموارتر خواهد نمود.

با توجه به توافق اخیر کشورهای عضو سازمان اوپک برای کاهش سطح تولیدات و افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، برخی سرمایه گذاران امریکایی همچنان احتیاط را در برنامه های افزایش تولید نفت توصیه می کنند و برخی انتظار دارند تا برون سپاری سرمایه گذاری ها (Off shore) نیز محدود شود. اگرچه بر اساس نظر برخی کارشناسان نفتی سرمایه گذاری در قیمت های بالای ۵۵ دلار در هر بشکه توجیه پذیر خواهد بود ولی بنظر می رسد طی روزهای ابتدای دسامبر ۲۰۱۶ برخی کمپانی ها مانند British Petroleum و Norway's Statoil اقداماتی را برای افزایش سرمایه گذاری در خلیج مکزیک یا استخراج نفت در دریای شمال در انگلیس آغاز کرده اند. احتمال می رود پیامد اجازه افزایش تولید نفت به ایران عاملی مثبت برای جلب سرمایه گذاران خارجی در حوزه نفت ایران محسوب شود.

منابع:

- <http://www.marketwatch.com/story/how-trumps-victory-complicates-opecs-oil-output-plans-۰۹-۱۱-۲۰۱۶>
- <http://fortune.com/۲۰۱۶/۱۱/۰۹/opec-oil-prices-donald-trump/>
- <https://www.donaldjtrump.com/press-releases/an-america-first-energy-plan>
- <https://www.donaldjtrump.com/policies/energy>
- <https://www.weforum.org/agenda/۲۰۱۶/۱۱/trump-america-and-a-world-in-transition>